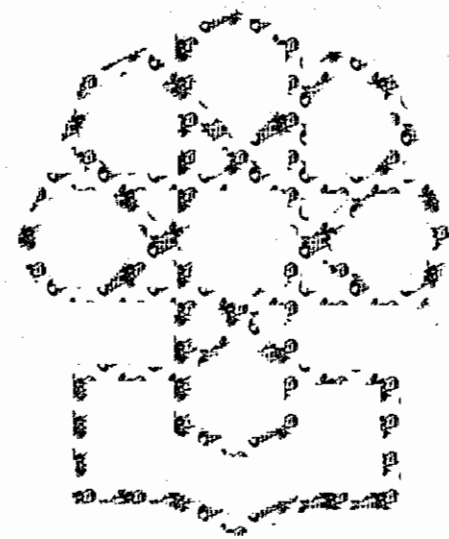


۱۱۹۴
۱۱۹۴



گزارش کارشناسی پیرامون
تأسیس شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای
وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی



معاونت پژوهشی
فروردین ۱۳۷۵

کار: دفتر بررسیهای حقوقی
گروه (۲) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۱۹۰۱۱۹۴

تأسیس شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای وابسته به دانشگاهها
و مؤسسات آموزش عالی

عنوان طرح

شماره ترتیب چاپ: ۱۵۶۵
شماره چاپ سابقه: —
شماره دفتر ثبت: ۴۷۸
تاریخ چاپ: ۱۳۷۴/۴/۲۰
کمیسیونهای ارجاعی: امور اداری و استخدامی -
امور اقتصادی و دارایی - امور بهداشتی و بهزیستی -
دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس -
فرهنگ و آموزش عالی

مشخصات طرح

درباره طرح تأسیس شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی

کد گزارش: ۱۹۰۱۱۹۴

مقدمه

طرح تأسیس شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در راستای به کارگیری هرچه بیشتر توان علمی دانشگاهها از بعد نیروی انسانی و امکانات و نیز فعال نمودن هر چه بیشتر دانشگاهها در انجام فعالیتهای تحقیقاتی ارائه شده و در مقدمه آن، ۹ هدف قید شده است. بررسی طرح مزبور نشان می‌دهد که در مجموع، تأسیس شرکتهای فوق منجر به ایجاد یک سری شرکتهای عمدتاً غیر دولتی می‌شود که با استفاده از نیروی علمی و امکانات تجهیزاتی و تدارکاتی دانشگاههای دولتی که شامل فضا، آزمایشگاهها و ... می‌شود، دست به انجام فعالیتهای تحقیقاتی کاربردی زده و کسب درآمد می‌نمایند. در واقع به این ترتیب، این دانشگاهها نیستند که دست به انجام فعالیتهای تحقیقاتی می‌زنند، بلکه شرکتهای غیر دولتی هستند که با امکانات دانشگاهها - که همان بیت المال مملکت است - این کار را انجام می‌دهند.

الف - دلایل توجیهی طرح

- در مقدمه طرح، دلایل ارائه آن قید شده است که عمده‌ترین آنها به شرح زیر است:
- استفاده هر چه بیشتر از توان علمی، تخصصی دانشگاهها؛
 - ارتباط هر چه بیشتر و منسجم‌تر بین دانشگاهها و ارگانهای اجرایی و رفع موانع موجود برای این ارتباط؛
 - مشارکت هر چه بیشتر اساتید دانشگاهها در پروژه‌ها و طرحهای کشور؛
 - انجام هر چه بیشتر تحقیقات کاربردی در دانشگاهها؛
 - همکاری هر چه بیشتر اساتید دانشگاهها با متخصصین و محققین خارج از دانشگاه و در نتیجه جذب آنان به سیستم آموزش عالی کشور؛
 - مشارکت مالی و علمی بخش مردمی و خصوصی در تحقیقات دانشگاهی.

ب - سوابق قانونی

۱) مصوبه یکصد و شصت و پنجمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۷/۷/۱۲ در ماده‌ای درخصوص تأسیس، توسعه و حمایت از مراکز تحقیقاتی براساس اولویتهای برنامه کشور سه طریق پیش‌بینی شده است:

- دانشگاهها و مراکز آموزش عالی که تحقیقات آنها ناظر بر تحقیقات بنیادی و کاربردی اساسی است که توسط دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی وابسته به عمل می‌آید.

- مراکز تحقیقاتی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و صنعتی وابسته به دولت که درخصوص تحقیقات کاربردی فعالیت می‌نمایند و بر این اساس وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و صنعتی وابسته به دولت مکلفند در زمینه‌های اصلی فعالیت خویش به تأسیس مرکز تحقیقات کاربردی اقدام نمایند.

- مراکز تحقیقات غیر دولتی.

به موجب تبصره ذیل این ماده ضوابط کلی تأسیس مراکز و مؤسسات تحقیقاتی را شورای انقلاب فرهنگی تصویب خواهد کرد.

۲) مصوبه جلسه یکصد و چهل و هشتم شورای مشترک کمیسیونهای ۱ و ۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۶۹/۱/۲۱ نیز چنین مقرر داشته است که تأسیس گروه یا مرکز پژوهش، پژوهشکده یا پژوهشگاه بر حسب مورد به پیشنهاد دانشگاه یا سازمان یا وزارتخانه ذی ربط و درخصوص مراکز تحقیقاتی غیر دولتی توسط افراد حقیقی و یا حقوقی بنا به مورد در معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و یا معاونت پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بررسی می‌شود و جهت رسیدگی نهایی و تصویب اساسنامه، به شورای گسترش آموزش عالی مربوط ارجاع خواهد گردید و در تبصره آن نیز چنین آمده که درخصوص رؤسای واحدهای تحقیقاتی بخش غیر دولتی، عضویت در هیأت علمی شرط نیست.

۳) بند «ب» تبصره ۸۹ قانون برنامه دوم نیز برای همکاری تحقیقاتی بین دستگاههای اجرایی و دانشگاهها چنین مقرر می‌دارد:

«کلیه دستگاههای اجرایی که از اعتبارات جاری و عمرانی مربوط به تحقیقات استفاده می‌نمایند و همچنین شرکتهای دولتی موضوع ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که از اعتبارات مذکور استفاده می‌کنند موظفند ۱۵ درصد از اعتبارات مذکور را از طریق عقد قراردادهای تحقیقاتی با دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی و همچنین اعضای هیأت علمی این گونه مؤسسات با موافقت دانشگاه یا مؤسسه تحقیقاتی مربوط و مؤسسات پژوهشی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی هزینه نمایند.»

همچنین بر اساس بند «الف» تبصره ۵۶ قانون برنامه دوم به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی اجازه داده شده که در قبال ارائه خدمات آموزشی، دوره‌های آموزشی، ... و خدمات تحقیقاتی مشاوره‌ای، اجرایی و ... به اشخاص حقیقی و حقوقی ... مبالغی براساس تعرفه‌هایی که بنا به پیشنهاد وزرای مذکور به تصویب هیأت وزیران می‌رسد دریافت نمایند.

۴) بند «الف» تبصره ۲۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ چنین مقرر می‌دارد:

«کلیه دستگاههای اجرایی که از اعتبارات جاری و عمرانی مربوط به تحقیقات استفاده می‌نمایند و همچنین شرکتهای دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که از اعتبارات مذکور استفاده می‌کنند موظفند پانزده درصد (۱۵٪) از اعتبارات مذکور را از طریق عقد قراردادهای تحقیقاتی با دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی و مؤسسات پژوهشی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و مراکز تحقیقاتی

سازمان انرژی اتمی ایران هزینه نمایند. وزار تخانه‌های کار و امور اجتماعی و آموزش و پرورش و جهاد دانشگاهی از این بند مستثنی بوده و سایر دستگاههای مستثنی از مفاد این بند در صورت ضرورت به پیشنهاد شورای پژوهشهای علمی کشور و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد.»
تبصره مذکور ظاهراً به تبع تبصره ۸۹ قانون برنامه دوم به تصویب رسیده و عیناً در تبصره ۲۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۵ نیز درج شده است.

ج - طرح موضوع

در بررسی طرح تأسیس شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دو موضوع اساسی قابل توجه است:
(۱) آیا اصولاً به منظور تحقیقات کاربردی و ایجاد ارتباط بین ارگانهای اجرایی کشور و دانشگاهها ضرورتی برای تشکیل شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای توسط دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وجود دارد؟
(۲) موضوع حائز اهمیت دیگر نحوه اداره شرکتهای و نظام داخلی آنها با توجه به مفاد طرح تقدیمی است.

اظهار نظر کارشناسی

الف - ضرورت تشکیل شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای

اگرچه طرح تقدیمی در واقع درصدد ایجاد مجوزی برای تشکیل شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای توسط دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بوده است، معذک به نظر می‌رسد با عنایت به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل مراکز پژوهشی توسط دانشگاهها، سازمانها، وزار تخانه‌ها و یا سایر مراکز تحقیقاتی توسط اشخاص غیر دولتی امکان پذیر بوده و شیوه تشکیل آنها نیز طی مصوبه این شورا به روشنی معلوم گردیده است.

از حیث نحوه هزینه کردن نیز، هم قانون برنامه و هم قانون بودجه مقرر داشته است که کلیه دستگاههای اجرایی موظفند ۱۵ درصد از اعتبارات خود را برای تحقیقات از طریق عقد قراردادهای تحقیقاتی با دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی و همچنین اعضای هیأت علمی هزینه نمایند. بر این اساس با عنایت به وضعیت موجود به نظر می‌رسد بر سر راه تشکیل مراکز تحقیقاتی و پژوهشی توسط دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مانعی وجود نداشته باشد و در واقع شیوه عمل و سیاستهای کشور در این خصوص توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین شده است، بنابراین ضرورتی برای تشکیل شرکت مستقلی که عملاً تصدی به انجام کارهای تحقیقاتی و پژوهشی و مشاوره‌ای داشته باشند - به گونه‌ای که برای تأمین آن ضرورتی برای قانون تشکیل باشد - به نظر نمی‌رسد.

در این باره باید خاطر نشان نمود که انجام فعالیتهای پژوهشی در کنار فعالیتهای آموزشی از وظایف دانشگاهها می‌باشد. و در این رابطه در طی سالهای گذشته امکانات متعدد مالی، تجهیزاتی و تدارکاتی از

محل بودجه عمومی دولت برای دانشگاهها فراهم شده است. از سوی دیگر، اعضای هیأت علمی دانشگاهها باید در چارچوب حقوق و مزایای دریافتی شان، که در طی سالهای گذشته مرتب افزایش یافته است، بخشی از ساعات موظف حضور خود در دانشگاهها را به امر پژوهش اختصاص دهند. در این شرایط اگر امر پژوهش در دانشگاهها مورد توجه کافی قرار نمی‌گیرد، راه حل آن را باید در تسهیل قوانین مالی و اداری دانشگاهها جستجو کرد. تشکیل شرکت تحقیقاتی و مشاوره‌ای و انجام فعالیتهای تحقیقاتی توسط آنها را نمی‌توان گسترش فعالیتهای تحقیقاتی دانشگاهها دانست، بلکه این امر تنها انجام فعالیتهای تحقیقاتی در یک شرکت غیر دولتی با استفاده از امکانات دانشگاههاست. به این ترتیب هدف اول ذکر شده از اجرای طرح با تشکیل این شرکتها تحقق نخواهد یافت و برای تحقق آن باید به دنبال راه‌حلهایی جهت استفاده هر چه بیشتر از توان علمی و تخصصی در داخل مجموعه دانشگاهها بود.

در مورد هدف دوم که ارتباط هر چه بیشتر بین دانشگاهها و ارگانهای اجرایی است، قابل ذکر است که براساس بند «ب» تبصره ۸۹ قانون برنامه دوم توسعه و تبصره ۲۲ قانون بودجه سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ دستگاههای اجرایی موظفند ۱۵ درصد از اعتبارات تحقیقاتی خود را از طریق دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی هزینه کنند. با اجرای این تبصره در سالهای گذشته ارتباطات دانشگاهها و دستگاههای اجرایی بیشتر شده است. گسترش این ارتباطات نیز به رفع برخی موانع ساختاری درخصوص به کارگیری نتایج تحقیقات دارد که تأسیس شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای مشکلی را در این زمینه حل نمی‌کند.

مشارکت هر چه بیشتر استادان دانشگاهها در پروژه‌ها و طرحهای کشور از دیگر هدفهای طرح عنوان شده است. همان طور که قبلاً ذکر شد اساتید دانشگاهها باید بخشی از ساعات موظف حضور خود در دانشگاهها را به امر پژوهش اختصاص دهند. از سوی دیگر براساس بند «ب» تبصره ۸۹ قانون برنامه دوم توسعه، اعضای هیأت علمی می‌توانند مستقلاً با افراد حقیقی و حقوقی خارج از دانشگاه قرارداد تحقیقاتی منعقد نمایند، لذا به نظر می‌رسد در حال حاضر موانع عمده‌ای بر سر راه مشارکت بیشتر اساتید دانشگاهها در امر تحقیق وجود نداشته باشد.

انجام هر چه بیشتر تحقیقات کاربردی به عنوان یکی دیگر از هدفهای طرح ذکر شده است. بدیهی است که با تشکیل این شرکتها فعالیتهای آنها عمدتاً از نوع کاربردی خواهد بود؛ چراکه به دنبال فروش این تحقیقات و کسب درآمد هستند. این در حالی است که یکی از وظایف دانشگاهها در انجام فعالیتهای تحقیقاتی گسترش مرزهای دانش است که تحقق آن تنها از طریق تحقیقات بنیادی امکان پذیر می‌گردد و در تمام کشورهای جهان نیز، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، تحقیقات بنیادی عمدتاً توسط دانشگاهها انجام شده و مسؤولیت اصلی در این زمینه متوجه دانشگاههاست. به این ترتیب تأسیس شرکتهای نامبرده، دانشگاهها را از انجام یکی از وظایف اساسی شان باز می‌دارد.

جذب متخصصین و محققین خارج از دانشگاه به سیستم آموزش عالی کشور یکی دیگر از هدفهای طرح قلمداد شده است. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که جذب این افراد به چه قیمتی تمام می‌شود. آیا با در اختیار قرار دادن امکانات دانشگاهها به این افراد و اجازه دادن به آنها که تحقیقات موزد نظر خود را خارج از چارچوب هدفها و انتظارات نظام آموزش عالی کشور انجام داده و به فروش رسانند، می‌توان به هدفهای بخشهای آموزش عالی و تحقیقات در برنامه‌های توسعه، جامعه عمل پوشاند؟

مشارکت مالی و علمی بخش مردمی و خصوصی در تحقیقات دانشگاهی به عنوان آخرین هدف

طرح قید شده است. طرح یاد شده با مشخصات و ویژگیهایی که دارد به مشارکت بخش خصوصی در تحقیقات دانشگاهی نمی‌انجامد بلکه نتیجه آن، در اختیار قرار دادن امکانات دولتی به بخش خصوصی است و به این امر می‌انجامد که افرادی به عنوان هیأت علمی از دولت حقوق گرفته و برای بخش خصوصی کار کنند.

ب - بررسی مفاد طرح

۱- در ماده یک طرح مقرر شده که به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور که با مجوز وزارتخانه‌های ذی‌ربط تأسیس شده و یا می‌شوند اجازه داده می‌شود شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای که من بعد شرکت نامیده می‌شود با شرایط مندرج در این قانون تأسیس نماید. درخصوص این ماده چنانکه بیان شد با عنایت به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی امکان تشکیل مراکز تحقیقاتی و مشاوره‌ای برای دانشگاهها با مجوز شورای گسترش آموزش عالی امکان پذیر می‌باشد. از سوی دیگر این ماده درخصوص وضعیت دانشگاههای غیر دولتی و غیر انتفاعی مبهم است که باید در مورد این دانشگاهها نیز وضعیت روشن گردد.

۲- ماده دو طرح مذکور، موضوع فعالیت شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را بیان نموده که در بند ۲ آن چنین آمده است:

«برگزاری دوره‌های کوتاه مدت آموزشی که منجر به مدرک دانشگاهی نمی‌گردد»

در این باره به نظر می‌رسد که اولاً هم اکنون نیز امکان برگزاری این دوره‌ها با توجه به ضوابط وزارت فرهنگ و آموزش عالی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، هم برای دستگاههای اجرایی و هم برای دانشگاهها وجود دارد و در این صورت ضرورتی برای تشکیل چنین دوره‌هایی توسط این شرکت وجود نخواهد داشت، و ثانیاً برگزاری این دوره‌ها با اهداف طرح که عملاً نزدیکی مراکز اجرایی به دانشگاهها از حیث گسترش استفاده از تحقیقات و پژوهش می‌باشد سازگاری ندارد، زیرا استفاده از دانشگاهها در تحقیقات و پژوهش - یعنی استفاده از تحقیقات کاربردی - ارتباطی با برگزاری دوره‌های آموزشی توسط چنین شرکتی ندارد. خصوصاً اینکه اصولاً نام این شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای می‌باشد.

بند ۴ ماده ۲ در موضوع شرکت نیز یک مورد دیگر را چنین پیش‌بینی نموده است:

«ارائه خدمات نظارتی در پروژه‌های اجرایی کشور»

در این خصوص نیز به نظر می‌رسد چنین موضوعی با آنچه در هدف طرح مرقوم گردیده منافات داشته باشد، زیرا شرکتی که برای تحقیقات و مشاوره به کار گرفته می‌شود و به ویژه از این حیث که وابسته به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی می‌باشد علی‌الاصول نباید در انجام پروژه‌ها نظارت داشته باشد، زیرا چنین امری در وظایف مؤسسات پژوهشی و تحقیقاتی نمی‌باشد.

۳- در ماده سوم طرح ترکیب سهامداران هر شرکت مربوط به هر دانشگاه بدین شرح تعیین شده

است:

اعضای هیأت علمی	۵۱ درصد
دانشگاه مؤسس شرکت	۲۴ درصد
شرکتهای دولتی	۱۵ درصد
شرکتهای خصوصی	۵ درصد
افراد حقیقی خارج از هیأت علمی	۵ درصد

در این باره عملاً طرح دچار نوعی ناهماهنگی است، زیرا از یک سو هدف از این لایحه، ایجاد مشارکت جدی میان دانشگاهها و سازمانهای اجرایی است، ولی در ترکیب سهامداران با در نظر گرفتن سهم ۲۴ درصد برای دانشگاه و ۱۵ درصد برای شرکتهای دولتی عملاً این شرکت به یک شرکت غیر دولتی تبدیل شده است و در این صورت هدف طرح که ایجاد مشارکت بوده است تحقق نمی یابد. از سوی دیگر طرح با واگذاری ۵۱ درصد سهام به اعضای هیأت علمی و ۱۰ درصد به شرکتهای خصوصی و سایر افراد حقیقی قصد خصوصی سازی شرکت مذکور را دارد که در این صورت عملاً دانشگاهها و مؤسسات آموزشی در آنها دخالت کمی دارند و از سوی دیگر در این صورت با فرض خصوصی بودن این شرکت به چه نحوی امکان استفاده از امکانات دانشگاهها فراهم می شود تا حضور دانشگاهها در تحقیقات کاربردی جدی شود؟ نکته مهم این است که اگر بناست چنین شرکتی خصوصی باشد، نیازی به تصویب قانون خاصی برای تشکیل آن نمی باشد، زیرا هر شرکت خصوصی امکان ثبت و فعالیت خواهد داشت و برای تشکیل آنها نیازی به قانون تشکیل نیست. در این صورت اگر هدف این قانون صرفاً مشارکت دانشگاهها در تشکیل شرکت تحقیقاتی مشاوره ای وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی می باشد، در این صورت می توان تنها ماده واحده ای را به منظور امکان اختصاص سرمایه توسط دانشگاهها به این امر اختصاص داد.

۴- در ماده (۵) طرح پیشنهادی مقرر شده: «دانشگاه می تواند فضا، وسایل و تجهیزات اداری و آزمایشگاههای خود را با قیمت ارزش دفتری محاسبه و به عنوان بخش یا تمامی سهم خود به شرکت انتقال دهد و یا به اجاره شرکت در آورد به شرط آنکه در امور جاری دانشگاه هیچگونه خللی وارد نگردد.»

به نظر می رسد ماده مذکور عملاً با دو اشکال اساسی رو به روست: اولاً از این نظر که مقرر شده وسایل و تجهیزات اداری و آزمایشگاههای دانشگاهها به عنوان بخش یا تمام سهم دانشگاه در این شرکت منظور شود، در این صورت به نظر می رسد چنین امری به صلاح نباشد؛ چرا که همواره کمبود فضا، وسایل و تجهیزات دانشگاهها به عنوان یکی از موانع اجرای صحیح فعالیتهای دانشگاهها ذکر شده است. در این صورت به نظر می رسد نباید امکانات دانشگاهها به عنوان آورده آنها داخل چنین شرکتهایی شود، زیرا در عمل این امر به دانشگاهها لطمه خواهد زد و اگر چه مقرر شده که واگذاری امکانات دانشگاهها به شرط این است که در امور جاری دانشگاهها خللی وارد نشود، اما در عمل شیوه کنترل آن مشخص نشده است. بدیهی است که اگر دانشگاه خود مجری واگذاری اموال باشد نخواهد توانست بر این امر کنترل و نظارت نماید که خللی به فعالیتهای دانشگاه وارد نشود.

ثانیاً در ماده (۵) مقرر شده که اموال دانشگاه به قیمت ارزش دفتری محاسبه منتقل می شود که در این خصوص نیز به نظر می رسد این امر مغایر حقوق دانشگاه باشد؛ چرا که در این صورت نیز باید توسط کارشناس تقدیم و منتقل شود و نه به قیمت دفتری که این امر موجب می شود اموال دانشگاهها به قیمت غیر واقعی منتقل گردد.

۵- در ماده (۶) طرح پیشنهادی نیز مقرر گردیده که سهام دانشگاه از نوع ممتاز تلقی نمی شود که در این صورت نیز ضرورتی برای آن به نظر نمی رسد، مع ذلک صرف ممتاز تلقی شدن سهام دانشگاهها نیز با معنی رو به رو نخواهد بود، اگرچه توجیه خاصی برای آن به نظر نمی رسد.

۶- در ماده (۹) طرح بیان شده: «امور مالی و اداری شرکت تابع این قانون و قانون تجارت خواهد بود و از شمول مقررات حاکم بر شرکتهای دولتی و سایر مقررات مغایر مستثنی می باشد...»

با عنایت به ماده (۳) که ۵۱ درصد از سهام شرکت متعلق به اعضای هیأت علمی و مجموعاً ۱۰ درصد متعلق به شرکتهای خصوصی و افراد حقیقی خارج از هیأت علمی می باشد، در این صورت تصور این است که شرکت مزبور را باید خصوصاً تلقی نمود و اگر بناست شرکت مذکور خصوصاً تلقی شود در این حالت ضرورتی برای تصریح بر استثنای این شرکت از شمول مقررات حاکم بر شرکتهای دولتی و سایر مقررات مغایر نخواهد بود، زیرا این شرکتهای خصوصی بوده و اصولاً مشمول مقررات شرکتهای دولتی نمی باشند. مع ذلک اگر هدف اساسی از طرح پیشنهادی در واقع ایجاد ارتباط بین دانشگاه و دستگاههای اجرایی باشد و در واقع مشارکت اعضای هیأت علمی صرفاً برای فعالیت کردن شرکت و حضور جدیتر اعضای هیأت علمی است، در این حال با عنایت به قانون تشکیل شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره ای در واقع می توان شرکت مذکور را دولتی تلقی نمود، زیرا بر اساس ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور، شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود. در این حالت اگرچه ۵۱ درصد سهام این شرکت متعلق به اعضای هیأت علمی است، ولی در عمل به لحاظ اینکه شرکت مذکور به موجب قانون تشکیل گردیده است، در این حالت بر اساس قانون محاسبات عمومی شرکت مزبور دولتی تلقی می شود و به نظر می رسد که با عنایت به مصالح عمومی کشور و خصوصاً ضرورت این امر که شرکتهای دولتی علی الاصول باید تحت کنترل و نظارت باشند و اصولاً منظور از قانون محاسبات عمومی نیز چنین بوده دلیل موجهی برای استثنا کردن شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره ای وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از شمول مقررات حاکم بر شرکتهای دولتی وجود نداشته باشد و مناسب تر است که این شرکت دولتی تحت کنترل قرار گیرد. زیرا اگرچه این شرکت در واقع یک شرکت وابسته به دانشگاه می باشد ولی در عمل شرکتی است با سهامداران خصوصی به منظور ارائه کارهای تحقیقاتی و مشاوره ای به دستگاههای اجرایی و دولتی و در این حالت اعمال کنترل بر آن اقتضا دارد که تحت شمول قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات حاکم بر شرکتهای دولتی قرار گیرد، و در این حالت مناسبتر است که ماده (۹) پیشنهادی اصلاح شود.

نکته اساسی تری نیز که به نظر می رسد این است که شبهه ای وجود دارد زیرا اگر بناست این شرکت دولتی تلقی شود در این صورت بز طبق بند «ن» تبصره ۲ قانون بودجه ۷۴ و بند «م» تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۵، تأسیس شرکتهای جدید و مشارکت در آنها توسط شرکتهای دولتی ممنوع و همچنین هر گونه توسعه تشکیلات سازمانی شرکتهای دولتی در سال ۱۳۷۵ ممنوع است و این تبصره با مفاد بند «ج» ماده (۳) طرح پیشنهادی که شرکتهای دولتی می توانند ۱۵ درصد سهام شرکت را داشته باشند منافات خواهد داشت. در این صورت با عنایت به مفاد قانون بودجه اصولاً تأسیس شرکتهای دولتی ممنوع می باشد و در این حالت ضرورتی نیز وجود ندارد که طرحی برای قانون تشکیل شرکت تحقیقاتی و مشاوره ای وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه شود.

۱- با عنایت به نکاتی که در اظهار نظر کارشناسی بیان گردید، با در نظر گرفتن مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که تأسیس گروه یا مرکز پژوهش، پژوهشکده یا پژوهشگاه برحسب مورد به پیشنهاد دانشگاه یا سازمان یا وزارتخانه ذی ربط توسط وزارتخانه مربوط ذی ربط جهت رسیدگی نهایی و تصویب اساسنامه به شورای گسترش آموزش عالی مربوط ارجاع خواهد گردید، نیازی به تشکیل شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نخواهد بود، زیرا اگر بناست که دانشگاهها مشارکت جدی در امر تحقیقات و ارائه مشاوره به دستگاههای اجرایی داشته باشند با عنایت به قانون برنامه دوم و قانون بودجه ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ و مصوبه مذکور شورای عالی انقلاب فرهنگی به راحتی میسر است و با منع قانونی رو به رو نمی‌باشد.

۲- در خصوص مفاد لایحه نیز پیشنهاد می‌گردد که به لحاظ اینکه بر طبق ماده (۴) قانون محاسبات عمومی تشکیل این شرکت بر طبق قانون سبب می‌شود که «شرکت دولتی» تلقی شود و در عمل مشکلاتی را برای دانشگاهها ایجاد می‌کند که بر این اساس پیشنهاد می‌گردد که ماده واحده‌ای فقط به منظور مشارکت دانشگاهها در چنین شرکتهایی به تصویب برسد که می‌تواند به شرح ذیل باشد:

«ماده واحده - به دانشگاهها اجازه داده می‌شود تا معادل ۳۹ درصد سرمایه شرکتهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای را که توسط اعضای هیأت علمی تشکیل می‌شود دارا بوده و سرمایه گذاری نمایند.

تبصره - سهام دانشگاه از نوع ممتاز می‌باشد.»

۳- در خصوص سایر مفاد طرح پیشنهاد، به نظر می‌رسد در ماده (۲) موضوع شرکت بند ۲ آن یعنی «برگزاری دوره‌های کوتاه مدت آموزشی که منجر به مدرک دانشگاهی نمی‌گردد» و بند ۴ آن یعنی «ارائه خدمات نظارتی در پروژه‌های اجرایی کشور» به لحاظ عدم ارتباط آن با تحقیقات و مشاوره توسط دانشگاهها حذف گردد.

۴- در ماده (۳) یعنی ترکیب سهامداران، مشارکت شرکتهای دولتی به لحاظ بند «ن» تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ و بند «م» تبصره (۲) قانون بودجه ۱۳۷۵ با منع قانونی رو به روست.

۵- ماده ۵ به لحاظ ایجاد تضییقات برای دانشگاهها حذف شود و یا مکانیزم اجرایی با نظارت مرجع معتبری پیش‌بینی گردد.

۶- ماده (۹) طرح تشکیل نیز به لحاظ اینکه این شرکت از شمول قانون محاسبات عمومی استثناء شده در حالی که به مصلحت به نظر نمی‌رسد، حذف گردد.

